

نگرشی

بر نگارش های کلامی (۳)

مصائب و مصاعب رسائل سید مرتضی

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

چکیده:
در میان آثار کلامی بازمانده از متکلم شیعه شریف مرتضی علم الهدی، مجموعه رسائل وی گنجینه‌ای ارزشمند از معارف امامیه و از اهمّیت بسیار برخوردار است. رسائل شریف مرتضی از جمله متون کهن دشوار فهم است که تصحیح آنها به سادگی میسر نیست. گذشته از بیان پیچیده و زبان فنی علم الهدی در نگارش آثارش، نبود نسخ معتبر کهن از پیشینه آثار او مزید بر علت شده و تصحیح میراث وی، از جمله رسائلش، را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است. نویسنده در نوشتار حاضر، رسائل شریف مرتضی را از حیث کیفیت و صحت تصحیح، در بوته نقد و بررسی قرار داده است. وی از باب نمونه، به بررسی و نقد ویراست رساله «جوابات المسائل الطرابلسیات الثانیه» شریف مرتضی پرداخته است. رساله مذکور، با تصحیح سید مهدی رجائی در ضمن جلد نخست رسائل الشریف المرتضی صص ۳۰۷ - ۳۵۶ به چاپ رسیده است. نگارنده از میان نسخ متعدّد طرابلسیات ثانیه، هفت نسخه برتر در دسترس را انتخاب کرده و با متن چاپی آن سنجیده است و کاستی‌های آن را از حیث افتادگی‌ها، کلمات یا عبارات زائد، و خوانش‌ها یا ضبط‌های غلط، با ذکر شاهد مثال‌هایی از متن چاپی ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها:

جوابات المسائل الطرابلسیات الثانیه، مهدی رجائی، رسائل شریف مرتضی، مرتضی علم الهدی، آثار کلامی، نقد کتاب.

در میان آثار کلامی بازمانده از بزرگ متکلم شیعه شریف مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق)، مجموعه رسائل وی گنجینه‌ای است ارزشمند از معارف امامیه و برخوردار از اهمّیت بسیار. بخشی از این رسائل، مکتوبات و رساله‌های به نسبت مختصری است که شریف مرتضی مستقلاً در موضوعات و مسائل مختلف به نگارش درآورده است و پاره‌ای دیگر عبارت است از پرسش‌ها و استفتاء‌هایی که اشخاص مختلف از نواحی گوناگون در زمینه‌های متنوع فقهی، اصولی، تفسیری، حدیثی و کلامی از او پرسیده و به محضروی فرستاده‌اند، به همراه پاسخ‌های وی به آنها. مجموع این پرسش‌ها و پاسخ‌ها که در نسخ خطی مختلف به انحاء گوناگون در کنار یکدیگر کتابت شده است. به ضمیمه رساله‌های یادشده، در چند دهه گذشته در قالب مجموعه رسائل شریف مرتضی مدوّن گردیده و به طبع رسیده است. روشن است که چاپ این رسائل و پرسش و پاسخ‌ها بدین شکل بیشتر بر حسب سلیقه مصححان و یا به اقتضای نسخه یا نسخ مورد رجوع آنها بوده و لزوماً ترتیبی نیست که خود شریف مرتضی اتخاذ کرده باشد.^۱

سید مرتضی که پس از استادش، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، مرجعیت دینی شیعیان امامی عصر خویش را برعهده داشت، بیوسته در معرض سؤالات گوناگون پرسشگران قرار می‌گرفت و امامیان مناطق مختلف در یافتن پاسخ پرسش‌های دینی خویش بدو مراجعه می‌کردند و از او راهنمایی می‌طلبیدند. حاصل این گفت‌وگوها و پرسش و پاسخ‌ها صورت مکتوب یافته و «أجوبة / جوابات المسائل» های شریف مرتضی را رقم زده است. یکی از وجوه چندگانه اهمّیت و ارزش «أجوبة المسائل» های مندرج در رسائل سید مرتضی همین سبک استفتاء گونه آنهاست. تفاوت بارز این گونه از متون با دیگر آثاری که در صورت کتاب یا رساله به نگارش درمی‌آید، در این است که نویسنده یا مُفتی در هنگام پرسش و پاسخ به‌طور مستقیم در معرض اظهار نظر قرار می‌گیرد و از او خواسته می‌شود که اعتقاد خودش را به بیانی کوتاه و صریح برای پرسنده یا مخاطب آشکار گرداند. در این صورت، خواننده به سهولت و روشنی از دیدگاه‌های خاص خود نویسنده یا مرجع پرسش‌ها مطلع می‌شود، بی‌آنکه مجبور باشد پیچ و خم‌های گاه دشوار دیگر متون و نوشته‌های آن مرجع علمی و دینی را طی کند تا به نظرگاه او واقف گردد. در واقع ممکن است شریف مرتضی در کتاب‌ها و

۱. در چاپ تازه این رسائل و مسائل به مناسبت کنگره شریف مرتضی هم طبعاً آنها به ترتیب و گونه دیگری منتشر خواهند شد.

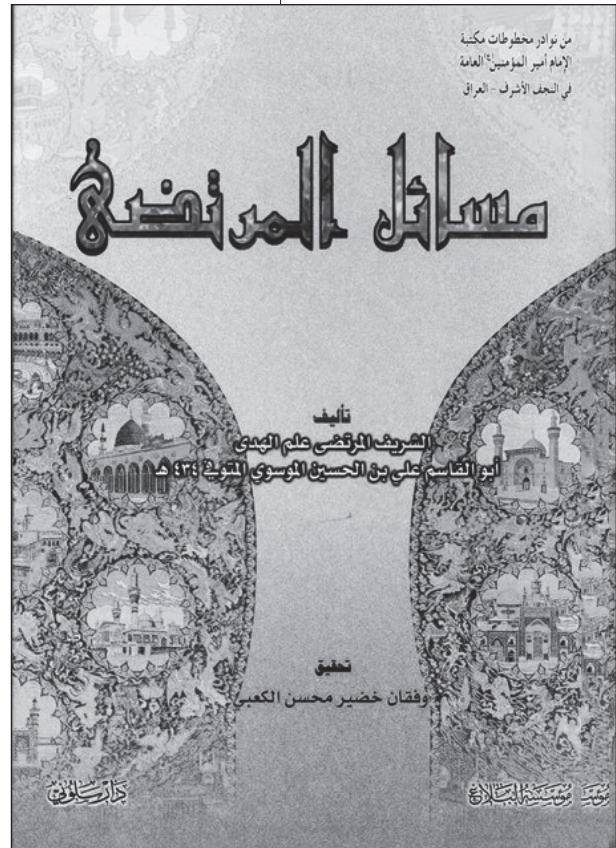
رساله‌های خودش به سادگی و وضوح مورد انتظارِ عموم، رأی خودش را در باب مسائل مختلف بازگو نکرده باشد، بلکه بیشتر به بررسی و نقد آراء دیگران یا شرح اقوال دانشوران پرداخته باشد و بدین ترتیب فهم نظر وی در باب آن مسائل چندان آسان نباشد؛ حال آنکه وقتی او در معرض پرسش صریح پرسشگری قرار گرفته، ناگزیر گشته است که رأی خود را در باب آن مقولات به سهولت و صراحت بیان کند. بدین سان، مجموع این پرسش و پاسخ‌ها به منبعی موثق و مهم برای کشف نظریات و دیدگاه‌های خاص علم الهدی در مسائل مختلف، از جمله مسائل کلامی و اعتقادی مبدل گردیده است. گذشته از «أجوبة المسائل» ها، دیگر رساله‌های کوچک و بزرگ موجود در رسائل شریف مرتضی نیز هریک ارزش و اهمیتی فراوانی دارد که در جای خود باید از قدر و بهای آنها سخن گفت.

با همه ارجمندی و اهمیتی و آفری که رسائل سید مرتضی دارد و ما شمه‌ای از آن را برشمردیم، بر سرانتشار این رسائل، مصائبی رفته است که می‌سزد در باب آن ذکر مصیبت مفصلی کرد. بخشی از این مصائب ناشی از مصاعب و دشواری‌های متن و محتوایی رسائل است که هر مصححی را در راه تصحیح این متون کهن با مشکلات بسیار مواجه می‌کند و قسمی دیگر، برخاسته از سهل‌انگاری و ناآزمودگی مصححان آن. تا کنون رسائل شریف مرتضی در قالب دو مجموعه، یکی چهار جلدی (سه مجلد آن زیر عنوان رسائل الشریف المرتضی به تصحیح آقای سید مهدی رجائی و اشرف سید احمد حسینی اشکوری در قم، نشر دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق و مجلد چهارم به تصحیح آقای سید احمد حسینی اشکوری در سال ۱۴۱۰ق) و دیگری تک جلدی (با عنوان مسائل المرتضی به تصحیح و فغان خضیر محسن الکعبی، مؤسسه البلاغ، بیروت، ۱۴۲۲ق. که البته مشترکات بسیاری هم با رسائل چهار جلدی دارد) منتشر شده است. متأسفانه هر دو مجموعه آکنده از نادرستی‌ها و آشفتگی‌هایی است که هیچ زیننده‌ی مقام والای شریف مرتضی و آثار او نیست. چنان‌که پیش‌تر در یادداشتی دیگر متذکر شده‌ام، شریف مرتضی شخصیتی است کم‌نظیر در جهان تشیع و نقش وی در تکوین ابعاد علمی مختلف مذهب شیعه، خاصه علم کلام و دانش اصول فقه، بسیار برجسته و حائز اهمیتی فراوان است. حاکم چشمی (م ۴۹۴ق)، عالم برجسته معتزلی زیدی ایران، آن‌گاه که در وصف شریف مرتضی سخن رانده است، او را قوام بخش مذهب و

مکتب تشیع معرفی کرده است. چشمی در الرسالة (التامة) فی نصیحة العامة به نقش سید مرتضی و نگاه‌های وی در شکل‌گیری ابعاد علمی مختلف مذهب تشیع اشاره کرده، می‌گوید:

«صار هذا المذهب مذهباً بالمرتضی، لأنه صنف الكتب فی الاصول والفروع والإمامة ونصره و خلط التوحید و العدل به»^۲.

این بیان حاکم چشمی که مذهب امامیه به دست شریف مرتضی تبدیل به یک مذهب و مکتب شد. علی‌رغم اغراق ناسزاوار و داوری یکسونگرانه‌اش و با اینکه یکسره از سر ناهمدلی با امامیه رقم خورده است. به خوبی نشانگر نقش برجسته تألیفات علم الهدی در تکوین جنبه‌های علمی گوناگون مذهب تشیع،



۲. حاکم چشمی، ابوسعید محسن بن محمد، الرسالة (التامة) فی نصیحة العامة، نسخه خطی برلین شماره گلاسر ۷۳ (p. 2) Glaser 73 (موزه ۷۹۳ هجری قمری)، برگ ۲۴ ب. اصل این رساله به زبان فارسی نگاشته شده بوده که ظاهراً هم اکنون نسخه‌ای از آن در دسترس نیست، اما نسخه‌هایی از ترجمه کهن عربی آن موجود است که گویا در دست تحقیق و نشر است. درباره این کتاب نگاه کنید به مقاله آقای دکتر حسن انصاری با عنوان «کتابی از حاکم چشمی به زبان فارسی و ترجمه عربی آن» چاپ شده در بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ هجری شمسی، ص ۵۵۳.

دست‌کم از منظر عالمی معتزلی همچون چشمی است. به‌طور مسلم شکوفایی کلام امامیه در مکتب بغداد بیش از هر شخصیت دیگری و امداد شریف مرتضی یا به تعبیر عبدالجلیل رازی قزوینی: «مرتضای بغداد» است. با این وصف نحوه تصحیح و طبع بسیاری از آثار مرتضی به‌هیچ‌روی مرضی و درخور شأن وی نبوده، بلکه مایه شرمساری ماست. در این میان رسائل شریف مرتضی از حیث کیفیت و صحت تصحیح وضع اسفبارتری دارد که مایلیم در اینجا لختی از آن سخن گویم.

پیش از آنکه در باب مصائب تصحیح رسائل شریف مرتضی و کاستی‌ها و نابسامانی‌های آن سخن به میان آید، بهتر است اندکی هم درباره مصاعب و دشواری‌های آن مطالبی تقدیم شود. آشنایان به تراث اسلامی نیک می‌دانند که به‌طور کلی متون فلسفی و کلامی پیشاصفوی و به‌طور خاص، متون پیشامغولی از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های ویژه‌ای گرانبار است. به همین جهت، نحوه مواجهه محققان و مصححان با این‌گونه متون نیز طبعاً باید با شیوه برخورد آنها با متون عربی فلسفی و کلامی پساصفوی و معاصر متفاوت باشد. در تصحیح آثار فلسفی و کلامی دوران معاصر ممکن است فرد بتواند آنها را صفحه‌به‌صفحه تصحیح و تحقیق کند، اما در تصحیح آثار متعلق به دوران اولیه و میانی اسلام هرگز چنین امکانی وجود ندارد و مصحح به‌گاه تصحیح ناگزیر است کلمه به کلمه و جمله به جمله با موشکافی‌های خاص و دقت نظر ویژه و تأمل بسیار کار خویش را به پیش برد. اگر یک متن کلامی ترائی را به یک «بنا» تشبیه کنیم، متون کلامی چند قرن اخیر همانند ساختمان‌های دوران معاصرند که در بیشتر موارد می‌شود آنها را به راحتی ساخت یا بازسازی کرد، در حالی که متون کهن کلامی چند قرن نخست حکم «بناهای باستانی» را دارند که ترمیم آنها به سرعت و سهولت امکان‌پذیر نیست و باید آنها را بند به بند یا وجب به وجب با صعوبت بسیار ترمیم و اصلاح نمود.

در واقع، فاصله زمانی و گسست زبانی پدید آمده در درازنای این سالیان، میان ما خوانندگان امروزی با آن نویسندگان دیرین خود به خود موجب گردیده است که فهم دقائق ذهن و زبان و اصطلاحات پیشینیان بر ما دشوار و گاه متعذر گردد و در بسیاری از مواضع، دریافت مفاهیم و مقاصد سخنان آنها به‌کلی از دسترس خوانندگان کنونی دور افتد. به همین سبب، تصحیح چنین متونی نیازمند دقت و حوصله و تخصص ویژه‌ای است که البته واجدان آن بسیار اندک شمارند. رسائل شریف مرتضی و البته سایر آثار او، از همین دست متون کهن دشوارفهم است که تصحیح آنها به سادگی میسر نیست. گذشته از بیان پیچیده و زبان فنی علم الهدی در نگارش آثارش، نبود نسخه معتبر کهن از پیشینه آثار او مزید بر علت شده و تصحیح میراث وی، از جمله رسائلش را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است. به غیر از امالی و الذخیره و الصرفة و شاید چند اثر دیگر که دارای نسخه‌هایی به نسبت کهن اند، نسخه‌های بازمانده از بیشتر آثار علم الهدی دست‌نوشته‌هایی متأخر و اغلب مغلوپ است. قدمت بسیاری از نسخ برجامانده از همین رسائل شریف مرتضی فراتر از قرن ده و یازده هجری نمی‌رود و همین دست‌نوشته‌ها هم نوعاً عیبناک است و سرشار از تصحیفات گمراه‌کننده. در نتیجه، اگر بنا باشد کار تصحیح این رسائل بر اساس اسلوب علمی پیش رود و تا حد امکان به درستی انجام پذیرد، نیازمند صرف وقت و دقت بسیار است. در ویراست‌های سابق رسائل شریف مرتضی نشانی از دقت و مهارت مصححان در تصحیح متن دیده نمی‌شود؛ بل به عکس، در سطر به سطر و صفحه‌به‌صفحه آنها آثار سهل‌انگاری و شتاب‌زدگی و ناپختگی طابعان عیان است.

تنها برای آنکه جلوه‌ای از مصائب وارد بر رسائل مرتضی را از حیث تصحیح ناشایست و ناستوار آنها نشان دهیم، از باب نمونه، به بررسی و نقد ویراست رساله «جوابات المسائل الطرابلسیات الثانیة» شریف مرتضی می‌پردازیم. این رساله با تصحیح جناب آقای سید مهدی رجائی در ضمن جلد نخست رسائل الشریف المرتضی ص ۳۰۷-۳۵۶ به چاپ رسیده است. چنان‌که خواهیم دید، ویراست ایشان از این رساله به حدی عیبناک و آشفته است که گویی آنچه به نام طرابلسیات ثانیه منتشر کرده‌اند ربط و نسبت وثیقی

سید مرتضی که پس از استادش، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، مرجعیت دینی شیعیان امامی عصر خویش را برعهده داشت، پیوسته در معرض سوالات گوناگون پرسشگران قرار می‌گرفت و امامیان مناطق مختلف در یافتن پاسخ پرسش‌های دینی خویش بدو مراجعه می‌کردند و از او راهنمایی می‌طلبیدند. حاصل این گفت‌وگوها و پرسش و پاسخ‌ها صورت مکتوب یافته و «أجوبة / جوابات المسائل»‌های شریف مرتضی را رقم زده است.

با اصل رساله ندارد. در حقیقت، طبع یادشده رساله مذکور، به دلیل نابسامانی‌ها و تحریف‌های گسترده ناشی از افتادگی‌ها، بدخوانی‌ها و یا ضبط‌های نادرست نسخه مورد رجوع ایشان که موجب نامفهومی و پریشانی بیشتر عبارات آن شده است، ویراستی است نامطبوع و در کل، از حیث ارتفاع ساقط. در ادامه، پاره‌ای از اشکالات تصحیح نامبرده را در چند قسمت بیان می‌کنم تا چند و چون ویراست ایشان از این رساله (و البته به احتمال زیاد، دیگر رسائل شریف مرتضی که بردست ایشان طبع شده) بر خوانندگان آشکار گردد؛ گویانکه اهل فن و کسانی که پیش‌تر با رسائل مرتضی بیشتر سرو کار داشته‌اند لابد خود بدین امر واقف گشته‌اند و محتاج تذکار این ضعیف نیستند.

نقد‌هایی که در پی می‌آید، همگی بر بنیاد مقابله و مقایسه متن چاپی رساله با شماری از نسخ خطی آن ایراد می‌شود. از رساله طرابلسیات ثانیه بنا بر اطلاعات موجود حدود بیست نسخه بر جای مانده است که قدیم‌ترین آنها متعلق به قرن یازدهم هجری قمری است. ظاهراً آقای رجائی کار تصحیح رسائل شریف مرتضی را تنها بر اساس یک نسخه فراهم شده برای ایشان به سرانجام رسانده‌اند^۳ و کوششی برای دستیابی به نسخ بیشتری از آن رسائل نکرده‌اند. در واقع، مهم‌ترین عاملی هم که موجب پریشانی و بی‌اعتباری ویراست جناب رجائی از رسائل سید مرتضی شده است همین بسندگی ایشان به یک نسخه نه چندان صحیح و عدم رجوع به دیگر دست‌نوشت‌ها است. آقای رجائی اگر اندکی بیشتر می‌کوشیدند حتی در همان سی و اندی سال پیش که این رسائل را آماده طبع می‌ساختند، می‌توانستند به نسخ دیگری از رسائل دست یابند و در تصحیح خویش به‌کارگیرند و در نهایت ویراست به مراتب بهتری عرضه کنند. اما صد افسوس که شتاب‌زدگی و آسان‌گیری مانع دستیابی به چنین کارهای دشوار می‌شود. آقای سید احمد حسینی اشکوری در مقدمه خود بر این مجموعه رسائل آورده‌اند که این ویراست چند جلدی فقط «طبع مستعجلی» از رسائل شریف مرتضی است که به قصد در دسترس قرار دادن آنها منتشر می‌شود و صورتی از نسخ ممتاز آثار شریف مرتضی را تدارک دیده‌اند تا در آینده طبعی فنی از آنها ارائه کنند.^۴ خوانندگان گرامی خود در ادامه خواهند دید که نتیجه آن طبع مستعجل و شتاب‌زده چیزی نیست جز اینکه در یک رساله قریب به پنجاه صفحه‌ای مثل طرابلسیات ثانیه بیش از صد غلط و ده‌ها افتادگی و آشفتگی رخ بنماید. اگر ایشان و آقای رجائی به چنین تصحیح و طبع مغلوطی از رسائل علم الهدی

در اینجا از میان نسخ متعدد طرابلسیات ثانیه، هفت نسخه برتر در دسترس رساله را انتخاب کرده^۵ و با متن چاپی آن سنجیده‌ایم. این مقایسه و تطبیق، کاستی‌های زیر در طبع رساله یادشده را آشکار می‌سازد:

۱. افتادگی‌ها

از اشکالات اساسی ویراست رساله طرابلسیات ثانیه افتادگی‌های قابل توجه آن است. صرف نظر از افتادگی‌های یکی چند کلمه‌ای که در جای جای رساله اتفاق افتاده است، ریختگی‌ها و سقط‌های یک یا چند سطری نیز در برخی مواضع متن قابل تشخیص است. نمونه‌های زیر این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد:

۱-۱. ص ۳۵۳ س ۳: «والمسخ أن یغیر صورة الحی الذی کان إنسانا یصیر بهیمة، لا أنه یتغیر صورته إلى صورة البهیمة».

مقایسه عبارت فوق با نسخ هفتگانه یادشده آشکار می‌سازد که قریب دو سطر از میان عبارت پیش‌گفته افتاده است. متن این قسمت (با کمی اختلاف در ضبط کلمات) در هفت دست‌نوشت رساله به شرح زیر است:

«والمسخ أن یغیر صورة الحی الذی هو انسان فیجعل علی صورة القرد و یكون الحی هو ذلک الحی بعینه و إنما تغیرت بنیته و النسخ الذی نبطله هو القسم الأول؛ لأن أصحاب التناسخ یذهبون إلى أن الحی الذی کان إنسانا یصیر بهیمة، لا أنه یتغیر صورته إلى صورة البهیمة».

چنان‌که ملاحظه فرمودید قسمت «هو انسان فیجعل علی صورة القرد و یكون الحی هو ذلک الحی بعینه و إنما تغیرت بنیته و النسخ الذی نبطله هو القسم الأول؛ لأن أصحاب التناسخ یذهبون إلى أن الحی الذی کان إنسانا یصیر بهیمة، لا أنه یتغیر صورته إلى صورة البهیمة» است.

۱-۲. ص ۳۴۷ س ۵: «فالجواب عنه: أنهما وان استویا فی العلم بالتصمیم، فغیر متمتع أن یكون مع امیر المؤمنین علیه السلام یأس من

۵. این نسخ عبارتند از: نسخه شماره ۶۹۱۴ کتابخانه دانشگاه تهران، ۲۵۳۳ کتابخانه مدرسه سپهسالار، ۲۱۰۰۰ و ۲۱۹۱۲ کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۲۹۲۳ و ۱۱۴۴۰ کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم، ۴۳۸ کتابخانه آیه الله حکیم نجف.

۳. نسخه شماره ۲۱۵۰۹/۹ کتابخانه آستان قدس رضوی، به خط احمد بن محمد رضا حسینی خوانساری موزع ۴ رجب ۱۳۲۹ هجری قمری. تصویری از آن هم اینک در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم به شماره ۱۴۹۷ نگهداری می‌شود.

۴. «والذی یجب لفت النظر الیه أننا هیننا نبینا لئلا یسخط الممتاز من آثار الشریف المرتضی مقدمه للعمل الفنی المکتمل الشرائط فی هاتیک الآثار و هذه المجموعات لیست إلا طبعه مستعجلة قصدنا بها تسیر تداولها للقراء الافاضل و کلنا أمل و طید فی الالتقاء بهم فی تلك الطبعة الفنیة الممتازة بتوفیق الله تعالی». (رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۱۸).

بالا معنا و مفهوم درست خودش را از دست داده است.

۵-۱. ص ۳۵۳ س ۱۶: «فان قيل: فكيف يكون ما ذكرتم عقوبة؟ قلنا: هذه الخلقة إذا ابتدأت لم تكن عقوبة وإذا غير الحي المخلوق على الخلقة التامة الجميلة إليها كان ذلك عقوبة. لأن تغير الحال الي ما ذكرناه يقتضي الغم والحسرة».

در عبارت پیش گفته، قسمتی از سؤال حذف شده است. بر اساس نسخ رساله، متن کامل پرسش بدین نحو است: «فان قيل: فكيف يكون ما ذكرتم عقوبة والله تعالى قد ابتدأ خلق القرد من غير أن يكون ذلك لهم عقوبة؟».

افتادگی جمله «والله تعالى قد ابتدأ خلق القرد من غير أن يكون ذلك لهم عقوبة» از پرسش موجب شده است که در متن چاپ شده رساله، ربط میان پرسش و پاسخ چندان روشن نباشد.

۶-۱. ص ۳۰۹ بند آخر: «فما جواب من قال: كل علة لكم في هذا ونحوه يقتضي إعزازه وكف أيدي الظلمة وإرشاده الضلال وتعليم الجهال ويكون حجة الله ثابتة وله في تلك الحادثة حكم مع غيبته خلاف الحكم مع ظهوره، فألا أجزتم أن يتأخر الحكم فيها الى يوم القيامة، ليتولى الله تعالى حكمها».

در متن یادشده نیز جافتادگی بخشی از متن موجب نقصان معنای آن شده است. بنا بردست کم پنج نسخه از نسخ رساله طرابلسیات ثانیه متن کامل بخش فوق عبارت است از: «فما جواب من قال: كل علة لكم في هذا ونحوه يقتضي إعزازه وكف أيدي الظلمة عنه ليظهر ويصخ الانتفاع به من سائر وجوه الانتفاع التي ذكرتموها وإلا فإن أجزتم أن يتأخر ظهوره واصراخه المظلوم ومعونه الضعيف وإرشاده الضلال وتعليم الجهال ويكون حجة الله ثابتة وله في تلك الحادثة حكم مع غيبته خلاف الحكم مع ظهوره، فألا أجزتم أن يتأخر الحكم فيها الى يوم القيامة، ليتولى الله تعالى حكمها».

مشاهده می‌فرمایید که بیش از یک سطر از عبارت اصلی بالا، یعنی قسمت «عنه ليظهر ويصخ الانتفاع به من سائر وجوه الانتفاع التي ذكرتموها وإلا فإن أجزتم أن يتأخر ظهوره واصراخه المظلوم ومعونه الضعيف» در تصحیح آقای رجائی حذف شده است و در معنا و ارتباط میان جملات فوق خلل وارد کرده است.

گذشته از موارد پیش گفته، در مواضع متعددی از رساله، افتادگی‌ها و محذوفات یک یا چند کلمه‌ای اتفاق افتاده که پاره‌ای از آنها در جدول زیر درج می‌گردد:

الرجوع منهم إلى الحق، لم يكن مع هارون عليه السلام مثله، و خوف على نفس الناكثين والقاسطين والمارقين وان أمن من الموت له في نفسه عليه السلام، فهو غير مؤمن له من وقوع ذلك بأهله وشيعته».

در متن مذکور قریب به یک سطر افتادگی عارض بر متن شده است. عبارت اصلی متن در نسخ رساله (البته با برخی اختلافات که در بین خود نسخ وجود دارد) بدین نحو است:

«فالجواب عنه: أنهما وان استويا في العلم بالتصميم، فغير ممتنع أن يكون مع أمير المؤمنين عليه السلام يأس من الرجوع منهم إلى الحق، لم يكن مع هارون عليه السلام مثله و خوف على نفس أو ما يجري مجراها لم يكن هرون ع على مثله؛ وقوله صلوات الله عليه لن تموت حتى تقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين وان أمن من الموت له في نفسه عليه السلام، فهو غير مؤمن له من وقوع ذلك بأهله وشيعته».

در اینجا نیز قسمت «أو ما يجري مجراها لم يكن هرون ع على مثله. وقوله صلوات الله عليه لن تموت حتى تقاتل» از وسط متن افتاده است و به همین دلیل ربط عبارات در تکه متن یاد شده معلوم نیست.

۳-۱. ص ۳۲۹ س ۱۱: «فالعلة التي عللوه بها عصمة الرسول موجودة في الإمام، لأننا قد بينا أن الامام قد يكون حجة فيما لا يعلم الا من جهته، إذا كتم الحق وانقطع النقل الذي هو حجة، فلم يبق إلا العصمة».

بخش آخر عبارت فوق در نسخه‌های اثر (با کمی اختلاف میان نسخ) بدین قرار است: «فلم يبق جهة للعلم إلا قول إمام الزمان؛ فقد ساوى النبي الإمام على هذا فى علة وجوب العصمة».

معلوم است که با وجود افتادگی دو عبارت «جهة للعلم» و «قول إمام الزمان؛ فقد ساوى النبي الإمام على هذا فى علة وجوب» از متن بالا، جملات یادشده به درستی قابل فهم نخواهد بود.

۴-۱. ص ۳۴۹ بند آخر: «لأنهم لما صرفوا عن معارضة القرآن بما يضاويه في الفصاحة، صار عليه السلام كأنه زاد عليهم التي كانوا بها يدنون إليها ينسون صار كتعذر مساواة السحرة بمعجزة موسى عليه السلام».

در اینجا نیز حدود یک سطر از عبارت سقط شده است. متن اصلی بر اساس نسخ اثر بدین ترتیب است:

«لأنهم لما صرفوا عن معارضة القرآن بما يضاويه في الفصاحة، صار عليه السلام كأنه زاد عليهم بالفصاحة؛ لأنه قد تعذر عليهم منها ما هو فيما تحذاهم به وإذا تعذرت عليهم الفصاحة التي كانوا بها يدلون وإيها ينسبون صار كتعذر مساواة السحرة بمعجزة موسى عليه السلام».

حاجت به گفتن نیست که با افتادگی قسمت «بالفصاحة؛ لأنه قد تعذر عليهم منها ما هو فيما تحذاهم به وإذا تعذرت عليهم الفصاحة» عبارت

نشانی	متن چاپی	متن صحیح	کلمه یا عبارت افتاده
۱	بینا کیف السبیل الی العلم بأحكامه، ما لم یجرله ذکر فی کتبها مما لم یتفق فیہ ولا اختلفت	بینا کیف السبیل الی العلم بأحكام المسائل الحادثة التي اتفقت علیها الإمامیة واختلفت و کیف السبیل الی العلم بأحكام ما لم یجرله ذکر فی کتبها مما لم یتفق فیہ ولا اختلفت	المسائل الحادثة التي اتفقت علیها الإمامیة واختلفت و کیف السبیل الی العلم بأحكام
۲	إذا جرى ذلك بما عرض من منع الظالمین من ظهور من یقوم بهذه الحقوق المؤخذون بإثم ذلك	إذا جرى ذلك بما عرض من منع الظالمین من ظهور من یقوم بهذه الحقوق فهم المؤخذون بإثم ذلك	فهم
۳	إذا قيل لهم ما تقولون فی هذه الحقوق و الحدود التي لا یتوفیها الإمام إذا قصر أهل الحل و العقد لإمام یقوم بها	إذا قيل لهم ما تقولون فی هذه الحقوق و الحدود التي لا یتوفیها إلا الإمام إذا قصر أهل الحل و العقد فی العقد لإمام یقوم بها	إلا / فی العقد
۴	إعزاز الامام و كف الأیدی عنه، فقد قلنا فیہ ما وجب بعکس هذا السؤال علی المخالف، فنقول لهم:	فأما الزامنا إعزاز الامام و كف الأیدی عنه، فقد قلنا فیہ ما وجب ثم نعکس هذا السؤال علی المخالف، فنقول لهم: ...	فأما الزامنا / ثم
۵	هذا القول لا یوجب الاستغناء عن الإمام فی الأحكام الشرعیة المنقولة، یجوز أن یعرض ناقلوها أو أكثرهم عن نقلها، اما اعتماداً أو شبهة	هذا القول لا یوجب الاستغناء عن الإمام فی الأحكام الشرعیة؛ لأن أحكام الشرعیة المنقولة، یجوز أن یعرض ناقلوها أو أكثرهم عن نقلها، اما اعتماداً أو شبهة	لأن أحكام الشرعیة
۶	ویجرى الإمامة و الحال هذه مجرى النبوة فی ... من الإمامة ما لا یمکن استفادته الا من جهته	ویجرى الإمامة و الحال هذه مجرى النبوة فی ... من الإمامة ما لا یمکن استفادته إلا من جهته	أنا نستفید
۷	أن من علیه الحق لا طریق الی العلم بأن الحق علیه	أن من علیه الحق لا طریق له الی العلم بأن الحق علیه	له
۸	استفدنا من هذا اللفظ و جوب میراث دون الأبعاد	استفدنا من هذا اللفظ و جوب المیراث للأقارب دون الأبعاد	للاقارب
۹	و تمسك عن تأییدهم	و تمسك عن تأییدهم كما أمسك عن تأییدهم	عن تأییدهم كما أمسك
۱۰	لأن إمام الزمان علیه السلام	لأن إمام الزمان الغائب علیه السلام	الغائب
۱۱	و بین الأمرین واضح	و بین الأمرین فرق واضح	فرق
۱۲	یضرب المعلم الصبی لأن أباه أخرعنه أجره	یضرب المعلم الصبی ظلماً لأن أباه أخرعنه أجره	ظلاً
۱۳	فوق أیدی هؤلاء الإمام لا ید فوق یده	فوق أیدی هؤلاء الإمام و الإمام لا ید فوق یده	و الإمام
۱۴	ثم ما طعن به علی وجوبه غیر صحیح	ثم ما طعن به علی وجوب الإمامة غیر صحیح	الإمامة
۱۵	فکیف احتاج هؤلاء الیه مع استقامة ظاهره؟	فکیف احتاج هؤلاء الیه مع استقامة الأحوال فی الظاهر و لم یحتج هو الی مثله مع استقامة ظاهره؟	الأحوال فی الظاهر و لم یحتج هو الی مثله مع استقامة

۱۶	ص ۳۳۱ س ۱۱	وما علة حاجته	وما علة حاجته	لکنا نقول
۱۷	ص ۳۳۴ س ۸	فلا يبقى إلا أنهم قد فهموا ثم عصوا بعد البيان عنادا	فلا يبقى إلا أنهم قد فهموا ثم عصوا بعد البيان عنادا	أفهموا و
۱۸	ص ۳۳۷ س ۱۶	لكانوا معذورين غير ملومين، لكان التقصير عائدا على النبي صلى الله عليه وآله لم يفهمهم مراده	لكانوا معذورين غير ملومين، لكان التقصير عائدا على النبي صلى الله عليه وآله لم يفهمهم مراده	و / من حيث
۱۹	ص ۳۳۷ س آخر	لان من قصر فيما نصب الله تعالى عليه من الأدلة إذا نظر	لان من قصر فيما نصب الله تعالى عليه من الأدلة التي إذا نظر	التي
۲۰	ص ۳۴۱ س بند آخر	فأضفت اليه معصيتين، وهذه معصية	فأضفت اليه معصيتين، أحدهما جهله بحال ما نهى عنه و هل تناول النهي الجنس أو العين و هذه معصية	أحدهما جهله بحال ما نهى عنه و هل تناول النهي الجنس أو العين
۲۱	ص ۳۴۲ س ۱۱	ان تقصيرا وقع منه تعالى في الإفهام	ان تقصيرا وقع منه تعالى في الإفهام والإعلام	والإعلام
۲۲	ص ۳۴۵ س ۱۳	ان كثيرا منهم بالشبهة	ان كثيرا منهم عصى بالشبهة	عصى
۲۳	ص ۳۴۶ س ۱۳	علم أن في خطابه للقوم وإنكاره مفسدة دينية	علم أن في خطابه للقوم وإنكاره مفسدة دينية	عليهم
۲۴	ص ۳۴۸ س ۵	و هذا التأويل يقتضي أن المعجزة و خرق العادة و سياقة الحديث لا يتضمن أنهم عجزوا	و هذا التأويل يقتضي أن المعجزة و خرق العادة و سياقة الحديث لا يتضمن أنهم عجزوا	بالصرف
۲۵	ص ۳۴۹ س ۴	على أن قوله عليه السلام لا بد لكل منا من تأويله	على أن قوله «زاد به عليهم» لا بد لكل منا من تأويله	زاد به عليهم
۲۶	ص ۳۴۹ س ۶	على أن المراد الفصاحة	على أن المراد بها بفصاحته	بها
۲۷	ص ۳۵۲ س ۶	والاخبار ناطقة بأن معنى هذا المسخ هو حالة التغيير عن بنية الإنسانية الى ما سواها.	والاخبار ناطقة بأن معنى هذا المسخ هو ما حاله من التغيير عن بنية الإنسانية الى ما سواها.	ما / من
۲۸	ص ۳۵۲ س ۱۰	وما يؤمنك لا أم لك	وما يؤمنك من ذلك لا أم لك	من ذلك
۲۹	ص ۳۵۴ س ۱	وان كان الحي واحدا في الحالين	وان كان الحي واحدا في الحالين لم يتغير	لم يتغير
۳۰	ص ۳۵۴ س ۸	لكن الإجماع على أنه ليس شيء من البهائم من أولاد آدم	لكن الإجماع حاصل على أنه ليس شيء من البهائم من أولاد آدم	حاصل

۲. کلمات یا عبارات زائد

در ویراست جناب آقای رجائی از رساله طرابلسیات ثانی در مواضع مختلف کلمات یا عباراتی زائد درج شده است که طبعا نقصانی در تصحیح رساله به حساب می‌آید. برخی از این موارد به قرار زیر است. کلمه یا عبارت زائد با اندازه بزرگ‌تر و خطی در زیر آن مشخص شده است:

۱. ص ۳۵۱ س ۱: «وإذا احتضر الكافر حضره رسول الله صلى الله عليه وآله و علي عليه السلام و جبرئيل و ملك الموت. فيدنون اليه علي عليه السلام، فيقول: يا رسول الله ان هذا كان يبغضنا أهل البيت فأبغضه. في ذلك و استقصاء القول فيه إن شاء الله تعالى. فيقول رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل ان هذا كان يبغض الله و رسوله و أهل بيت رسوله فأبغضه».

در اینجا عبارت «في ذلك و استقصاء القول فيه إن شاء الله تعالى» که متعلق به آخر صفحه بعد است در اثر اشتباه چاپی به ابتدای صفحه قبل منتقل شده و در وسط متن روایت جای خوش کرده است!

۲. ص ۳۱۴ سطر دوم از آخر: «ليكون لهم لطفاً لهم في العدول عن القبائح العقلية».

۳. ص ۳۱۵ س ۸: «وقد بينا في كتابنا «الشافعي» في أن هذا القول لا يوجب الاستغناء عن الإمام».
۴. ص ۳۵۵ س ۴: «فيما حكاه تعالى عن النملة والهدهد بقوله».

۳. خوانش‌ها یا ضبط‌های غلط

از بارزترین اشکالات و نقائص ویراست شگفت‌آور جناب آقای رجائی از رساله طرابلسیات ثانیه، خوانش‌های پریشان و ضبط‌های غلط و درهم و برهم ایشان از کلمات و عبارات است که بی‌اغراق در هر صفحه‌ای از آن به‌کرات قابل ملاحظه است. همین ضبط‌های غلط موجب شده است که بسیاری از عبارات این رساله هم اکنون یکسره بی‌معنا و نامفهوم باشد. در تمام نمونه‌هایی که زین پس ذکر می‌شود، خواهید دید که عبارات به نحوی که ایشان تصحیح کرده‌اند، هیچ مفاد مناسب و معنای محصلی ندارد. بی‌گمان اگر آقای رجائی لحظه‌ای درنگ می‌کردند و با اندکی دقت در عباراتی که تحویل خواننده می‌دهند، نیک می‌نگریستند، خود نیز به آشفتگی و مهمل بودن آنها پی می‌بردند و پیشاپیش از انتشار ویراستی چنین سقیم پیشگیری می‌فرمودند.

در ادامه، تعدادی از این بدخوانی‌ها یا ضبط‌های نادرست فهرست می‌شود. نخست ضبط غلط و پس از آن، ضبط صحیح کلمات و عبارات نشان داده می‌شود.

۱. ص ۳۱۰ س ۱۵ - ۱۷: «أما ما لا ينافي التكليف أن ما يكون بإقامة الحجج والبراهين والأمر والنهي والوعظ والزجر والألطف القوية لدواعي الطائفة المصارفة عن المعصية وقد فعل الله تعالى ذلك أجمع على وجه لا مريب عليه.» ← «أما ما لا ينافي التكليف إنما يكون بإقامة الحجج والبراهين والأمر والنهي والوعظ والزجر والألطف المُقوية لدواعي الطاعة المصارفة عن المعصية وقد فعل الله تعالى ذلك أجمع على وجه لا مزيد عليه.»

۲. ص ۳۱۱ س ۲: «فكيف يفعل لأجل التكليف ما يسقط الفرض به وينقصه» ← «فكيف يفعل لأجل التكليف ما يسقط الغرض به وينقصه.»

۳. ص ۳۱۱ س ۳ - ۶: «والذي مضى في خلال السؤال من الحكاية عنا المقبول فان في الحوادث ما الحكم فيه عن غيبة الإمام عليه السلام يخالف الحكم مع ظهوره. باطل لا نذهب اليه» ← «والذي مضى في خلال السؤال من الحكاية عَنَّا القول بأن في الحوادث ما الحكم فيه عند غيبة الإمام عليه السلام يخالف الحكم مع ظهوره باطل لا نذهب اليه.»

۴. ص ۳۱۲ س ۴: «و لا يكون تكليفنا بمعرفة ذلك الحق تكليفا بما لا يطاق، لأننا نطبق معرفة ذلك الحق الذي استند بمعرفة الإمام من حيث قدرنا إذا كان غائبا لحوقه على ازالة خوفه، فإنه كان حينئذ يظهر ويبين ذلك الحق. وإذا كنا متمكنين من ذلك فهو متمكن من معرفة الحق.» ← «و لا يكون تكليفنا بمعرفة ذلك الحق تكليفا بما لا يطاق، لأننا نطبق معرفة ذلك الحق الذي استند بمعرفة الإمام من حيث قدرنا إذا كان غائبا لخوفه على ازالة خوفه، فإنه كان حينئذ يظهر ويبين ذلك الحق. وإذا كنا متمكنين من ذلك فهو متمكن من معرفة الحق.»

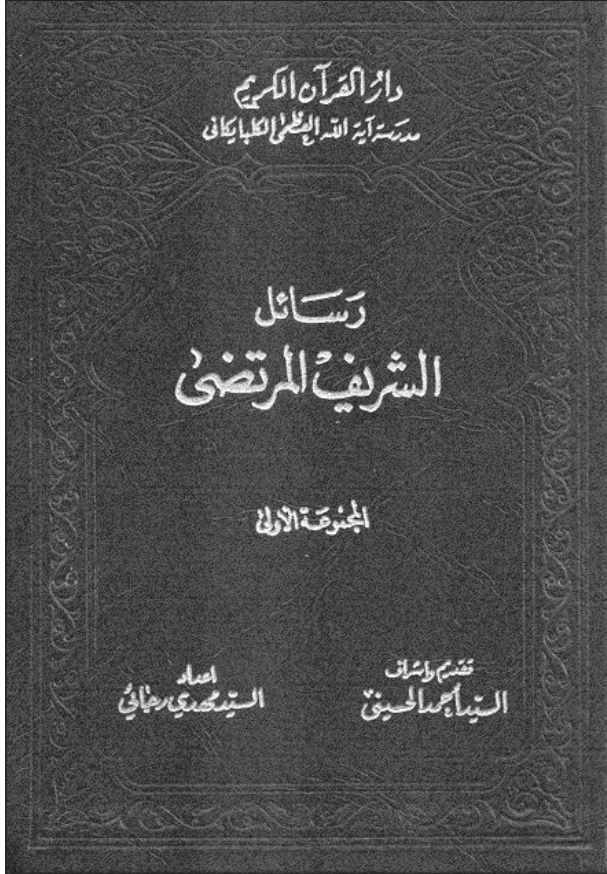
۵. ص ۳۱۴ س ۱: «فلا بد لهم من مثلاً جوابنا» ← «فلا بد لهم من مثل جوابنا».

۶. ص ۳۱۶ س ۱۰: «فجوزوا أصل ذلك أيضا فيما أشكل أمره» ← «فجوزوا مثل ذلك أيضا فيما أشكل أمره».

۷. ص ۳۱۸ س ۹: «وتزيل الشبهة المفترضة» ← «وتزيل الشبهة المعترضة».

۸. ص ۳۱۸ س ۱۴: «إذا حدثت حادثة يختلف فيها الأمة وأشكل الأمر عليكم، أتصلون الى الامام و يستلزمه مع تحقق معرفته وعصمته» ← «أتصلون الى الامام و تسئلونه مع تحقق معرفته وعصمته».

تنها برای آنکه جلوه‌ای از مصائب وارد بر رسائل مرتضی را از حیث تصحیح ناشایست و ناستوار آنها نشان دهم، از باب نمونه، به بررسی و نقد ویراست رساله «جوابات المسائل الطرابلسيات الثانية» شریف مرتضی می‌پردازم. این رساله با تصحیح جناب آقای سیدمهدی رجائی در ضمن جلد نخست رسائل الشریف المرتضی ص ۳۰۷ - ۳۵۶ به چاپ رسیده است.



مع وجود الرئيس القوي اليد النافذ الأمر ويقعان ويكثران مع فقده أو ضعف يده» ← «ومعلوم ضرورة أن الظلم والضيم يرتفعان أو يقلان مع وجود الرئيس القوي اليد النافذ الأمر، ويقعان أو يكثران مع فقده أو ضعف يده».

۲۲. ص ۳۲۸ س ۱۵، ۱۶: «والفرق بين الامام وخلفائه من أمير وغيره في وجوب العصمة اما فإنما أوجبنا عصمة الامام من حيث لولم يكن معصوماً يوجب عصمته الى امام» ← «والفرق بين الامام وخلفائه من أمير وغيره في وجوب العصمة أننا إنما أوجبنا عصمة الامام من حيث لولم يكن معصوماً لوجب حاجته الى امام».

۲۳. ص ۳۲۹ س ۳: «فأول ما فيه أن انفراد الرسول بعلمه يقتضي عصمة ليست موجودة في الإمام لا يدل على نفي العصمة عن الإمام» ← «فأول ما فيه أن انفراد الرسول بعلمه يقتضي عصمته ليست موجودة في الإمام لا يدل على نفي العصمة عن الإمام».

۲۴. ص ۳۳۰ س ۱۲: «والامام على مذاهب خصومنا يجري في ارتفاع العصمة عنه مع حسن ظاهره واعتلال طريقته بمجرى صالح الأمة وعدولها» ← «والامام على مذاهب خصومنا يجري في ارتفاع العصمة عنه مع حسن ظاهره واعتدال طريقته بمجرى صالح الأمة وعدولها».

۹. ص ۳۱۹ س ۱: «كان من عرق قدر فروعهم وكتب فقههم عالماً ببطان هذه الدعوى» ← «كان من عرف قدر فروعهم وكتب فقههم عالماً ببطان هذه الدعوى».

۱۰. ص ۳۲۰ س ۱۱: «يجب سعيها وإمضاؤها» «يجب تنفيذها وإمضاؤها».

۱۱. ص ۳۲۰ س ۱۷: «وتدل أبنائكم رفعتم عذر الامام» ← «وقد رأيناكم رفعتم عذر الامام».

۱۲. ص ۳۲۱ س ۱: «كاستغنائكم بتغليبكم» ← «كاستغنائكم بنقلتكم».

۱۳. همان س ۹: «حدود المعضلات والمشكلات» ← «حدوث المعضلات والمشكلات».

۱۴. همان س ۱۳: «قالوا أولاً مهرب من الذي أردناه الى ما قلناه ولا جوزناه» ← «قالوا: ولا مهرب من الذي أردناه إلا الى ما قلناه أولاً وجوزناه».

۱۵. همان س ۱۵: «فقولوا ما عندكم فيه واقربوه بالدليل الذي يتميز من الشبهة وبيانها في المعنى والصفة لنعمة منكم» ← «فقولوا ما عندكم فيه واقربوه بالدليل الذي يتميز من الشبهة وبيانها في المعنى والصفة لنسمة منكم».

۱۶. همان س ۱۸: «أما الفرق بين تشريع استتار نبي بخوف من أمته وبين استتار امام الزمان» ← «أما الفرق بين تسويغ استتار نبي لخوف من أمته وبين استتار امام الزمان».

۱۷. ص ۳۲۲ س ۷: «فاستوى الأمران في جواز الغيبة مع الخوف على النص ما روى كثير من المعتزلة يذهبون الى أن الله تعالى لو علم...» ← «فاستوى الأمران في جواز الغيبة مع الخوف على النفس وأرى كثيراً من المعتزلة يذهبون الى أن الله تعالى لو علم...».

۱۸. ص ۳۲۲ س ۱۵: «لان بعثه من لا يؤدي ويعلم من جهته أنه لا يتم الرسالة سيد على الأمة طريق العلم بما هو مصلحة لها في الشرائع» ← «لان بعثه من لا يؤدي ويعلم من جهته أنه يكتم الرسالة يسد على الأمة طريق العلم بما هو مصلحة لها من الشرائع».

۱۹. ص ۳۲۶ س ۱۱: «قلنا: فعصمة الامام لم يرفع ما خضتم» ← «قلنا: فعصمة الامام لم يرفع ما خفتم».

۲۰. ص ۳۲۷ س ۱۴: «لولم يكن معصوماً جاز أن يعيش المسلمون فيما لم يظهر، بأن يصلي بهم جنبا» ← «لولم يكن معصوماً جاز أن يغش المسلمين فيما لا يظهر بأن يصلي بهم جنبا».

۲۱. ص ۳۲۸ س ۳: «ومعلوم ضرورة أن الظلم والضيم إذ هما معللان

۲۵. ص ۳۳۰ بند آخر: «و كيف انتظر في انبساطه اليه عليه؟» ← «و كيف انتظر في انبساط اليد عليه؟».
۲۶. ص ۳۳۱ س ۹: «و تقرب الان مثلاً» ← «و نضرب الان مثلاً».
۲۷. ص ۳۳۳ س ۲: «لانه يعتقد أن في طاعته معصية للرسول صلى الله عليه وآله و خروج عن طاعته» ← «لانه يعتقد أن في طاعته معصية للرسول صلى الله عليه وآله و خروجاً عن طاعته».
۲۸. ص ۳۳۳ س ۱۲: «و إذا كنا قد استدللنا على انه عليه السلام لم يرد بخبر تبوك و الغدير الا للنص و نحن لم نخص سماعها، و لا رأينا الإشارات التي قربهما بها موضحة لمراده مولدة لبيانه» ← «و إذا كنا قد استدللنا على انه عليه السلام لم يرد بخبر تبوك و الغدير الا النص و نحن لم نحضر سماعها، و لا رأينا الإشارات التي قربهما بها موضحة لمراده مؤكدة لبيانه».
۲۹. ص ۳۳۴ س ۹. ۸: «ثم عصوا بعد البيان عنادا و تركا. هذا ما قد عرفناه من فائدة لفظ «النص» في لسان العرب و أنه الإظهار و الإبانة.» ← «ثم عصوا بعد البيان عنادا. و يؤكّد هذا ما قد عرفناه من فائدة لفظ «النص» في لسان العرب و أنه الإظهار و الإبانة».
۳۰. ص ۳۳۵ س ۳: «أنه صلى الله عليه وآله سيظهر على العرب و تولى دولته على الدول» ← «أنه صلى الله عليه وآله سيظهر على العرب و تعلوا دولته على الدول».
۳۱. ص ۳۳۸ س ۱۷: «و قد كنا رتبنا في كتابنا الشافي» ← «و قد كنا بيّنا في كتابنا الشافي».
۳۲. ص ۳۴۰ س ۱۱: «فأما الجاهلون: فعلى قسم واحد و هم الذين انفاذوا أين ما لم يكن لشبهة الى الباطل» ← «فأما الجاهلون: فعلى قسم واحد و هم الذين انقادوا بزمام الشبهة الى الباطل».
۳۳. ص ۳۴۱ س بند آخر: «و هذه معصية يتقياق إلى معصية في تناول في عقاب معصيتين و ذمهما أكثر من عقاب معصية واحدة» ← «و هذه معصية تنضاف إلى معصية في تناول و عقاب معصيتين و ذمهما أكثر من عقاب معصية واحدة».
۳۴. ص ۳۴۲ س ۶: «ألا ترى عقابنا لقوله ان الله تعالى قد نص على أنه لا يرى بالابصار» ← «ألا ترى إنّا نقول ان الله تعالى قد نص على أنه لا يرى بالابصار».
۳۵. ص ۳۴۳ س ۵: «قد بينا أن ذلك غير واجب في كل دافع للنص، بل في الداخلين الذين قبضوا على دفعه» ← «قد بينا أن ذلك غير واجب في كل دافع للنص، بل في الدافعين الذين قبضوا على دفعه».
۳۶. ص ۳۴۳ س ۱۴: «و دعواهما أنهما كانا مكرهين و بينهما عليه في حربهما له» ← «و دعواهما أنهما كانا مكرهين و بغيهما عليه في حربهما له».
۳۷. ص ۳۴۵ س ۹: «و الخلاف في هذا ان لم يزد على الخلاف في جحد الناس، فما يقصر عنه» ← «و الخلاف في هذا ان لم يزد على الخلاف في جحد النص، فما يقصر عنه».
۳۸. ص ۳۴۵ س ۱۱۳: «كان يؤذن لائحته بالنجاح» ← «كان يؤذن لامحالة بالنجاح».
۳۹. ص ۳۴۶ س ۱۲. ۱۱: «هذا فساد ديني لا يجوز المتعرض، لما يكون سببا فيه و دائما اليه» ← «هذا فساد ديني لا يجوز التعرض لما يكون سببا فيه و داعياً إليه».
۴۰. ص ۳۴۹ س ۲: «ذلك يقتضي أنه لو لم يعجزهم عن الإتيان بمثله يفعلوا» ← «ذلك يقتضي أنه لو لم يعجزهم عن الإتيان بمثله لفعلوا».

از بارزترین اشکالات و نقائص ویراست شگفت‌آور جناب آقای رجائی از رساله طرابلسیات ثانیه، خوانش‌های پریشان و ضبط‌های غلط و درهم و برهم ایشان از کلمات و عبارات است که بی‌اغراق در هر صفحه‌ای از آن به کرات قابل ملاحظه است. همین ضبط‌های غلط موجب شده است که بسیاری از عبارات این رساله هم اکنون یکسره بی‌معنا و نامفهوم باشد.

۴۱. ص ۳۵۰ س ۸: «و ان آرید غیره نظر نافیه» ← «و ان آرید غیره نظرنا فیه».

۴۲. ص ۳۵۰ س ۱۵: «أورده في كتاب التسلي و التقوى» ← «أورده في كتاب التسلي و التعزّي».

۴۳. ص ۳۵۲ س آخر: «وعاني الرأي لسيدنا الشريف الأجل» ← «و عالي الرأي لسيدنا الشريف الأجل».

۴۴. ص ۳۵۴ س ۶: «فان قيل: فيقولون ان هؤلاء الممسوخين تناسلوا» ← «فان قيل: أفتقولون ان هؤلاء الممسوخين تناسلوا».

۴۵. ص ۳۵۴ س ۹: «ولولا هذا الإجماع لجوّزنا ما ذكروا على هذه الجملة التي قرنها لا ينكر صحة الاخبار» ← «ولولا هذا الإجماع لجوّزنا ما ذكر و على هذه الجملة التي قرنها لا ينكر صحة الاخبار».

آنچه بر شمرديم نه همه اغلاط و کاستی‌های ویراست رساله طرابلسیات ثانیه، بلکه بخشی از آنها بود. با وجود اشکالات بنیادین یادشده دیگر حاجتی به نشان دادن دیگر عیوب و اغلاط ویراست مورد گفت و گو، نظیر به کارگیری نادرست علائم ویرایشی، تقطیع‌های نامناسب و گاه به کلی غلط و فقدان تخریجات و توضیحات لازم نیست. همین مقدار به گمانم به اندازه کافی بازگوکننده مصائب رسائل شریف مرتضی و شدائد آن از حیث تصحیح و انتشار باشد و بیش از این، ذکر مصیبت خود را در این باب تفصیل نمی‌دهم.

نمی‌دانم در تمام این سالیان که از انتشار رسائل شریف مرتضی گذشته است آیا کسانی این رسائل را با دقت خوانده‌اند؟ و اگر خوانده‌اند آیا از مطالعه چنین متن‌های مغلوطی طرفی بسته‌اند یا خیر؟ واقعاً جای پرسش است که چرا کسی تا کنون مُتَعَرِّض و مُعْتَرِّض به جناب آقای رجائی نشده است و از ایشان نپرسیده است که: «چرا رسائل گرانسنگ شریف مرتضی را با این وضع آشفته و نومید کننده به طبع رسانده‌اند؟». نامبرده - که سعیشان در خدمت به تراث شیعی مشکور باد. از طابعان پرکار عرصه نشر کتب اسلامی‌اند و بنا به گفته خودشان تا کنون چند صد متن فقهی، کلامی، حدیثی، تفسیری، تراجمی، رجالی و... را تصحیح و عرضه کرده‌اند. امیدوارم تصحیح آن دیگر متن‌ها همچون ویراست رساله طرابلسیات ثانیه نبوده باشد که چندان قابل اعتماد و استناد و استفاده نیست. ای کاش حضرتشان در امر تصحیح میراث گرانسنگ اسلامی دقت بیشتری روا می‌داشتند و زحمات و خدمات خودشان را پرثمرتری ساختند.

اکنون که کنگره بزرگداشت شریف مرتضی در پیش است و تصحیح دوباره تألیفات وی در دستور کار قرار دارد، آرزومندم این وجیزه در جلب توجه مصححان نگاشته‌های علم الهدی نسبت به مصاعب و دشواری‌های تصحیح آثار او و لزوم صرف دقت و حوصله بیشتر در تمهید ویراست‌های شایسته از آنها اندکی مؤثر افتد و تذکاری در راستای دقت در عرضه هر چه بهتر میراث شریف مرتضی در شمار آید. طبعاً در این امر وظیفه اصلی و خطیر بر عهده بانیان و اصحاب کنگره است که در ارزیابی تصحیح مصححان و کار ویراستاران تسامح روا ندارند و تن به نشر ویراست‌های ضعیف و ناستوار از آثار ارجمند سید مرتضی ندهند.

والله الموفق للصواب.

اکنون که کنگره بزرگداشت شریف مرتضی در پیش است و تصحیح دوباره تألیفات وی در دستور کار قرار دارد، آرزومندم این وجیزه در جلب توجه مصححان نگاشته‌های علم الهدی نسبت به مصاعب و دشواری‌های تصحیح آثار او و لزوم صرف دقت و حوصله بیشتر در تمهید ویراست‌های شایسته از آنها اندکی مؤثر افتد و تذکاری در راستای دقت در عرضه هر چه بهتر میراث شریف مرتضی در شمار آید.